پاسخ خونین سارق بی‌رحم به دلرحمی سرباز پلیس

عبدالجبار مختوم نژاد سرباز کلانتری ۱۱۰ شهدا که با قرائت قرآن و مدیحه‌سرایی برای اهل بیت شناخته می‌شد، هنگام انتقال یکی از مجرمان خطرناک به کلانتری به شهادت رسید. متهم که از مجرمان سابقه‌دار است پس از به شهادت رساندن مأمور پلیس به محل زندگی‌اش در کرج گریخته‌بود که خیلی زود شناسایی و بازداشت شد.

به گزارش جوان، ظهر روز شنبه نهم‌مرداد رهگذرانی در یکی از خیابان‌های نزدیکی کلانتری ۱۱۰ شهدا تعقیب و گریز سرباز وظیفه و مرد جوانی را مشاهده کردند که حکایت از آن داشت مرد جوان متهمی است که از دست سرباز وظیفه فرار کرده‌است. تعقیب و گریز زمان زیادی نکشید که سرباز وظیفه متهم را گرفت و هنگامی که قصد داشت به دستان او دستبند بزند مرد جوان دست به چاقو برد و ضربات متعددی به سرباز وظیفه زد و به سرعت از محل گریخت. سرباز وظیفه غرق در خون روی زمین افتاد که رهگذران موضوع را به پلیس و اورژانس خبر دادند. با اعلام این خبر به سرعت تیمی از مأموران کلانتری شهدا به محل اعزام شدند که با پیکر خونین سرباز وظیفه عبدالجبار مختوم‌نژاد روبه‌رو شدند و برای نجات جانش او را به بیمارستان منتقل کردند.

■ **سارق شرور**

مأموران پلیس دریافتند سرباز وظیفه در حال انتقال سارق سابقه‌داری به نام علی از دادسرا به کلانتری بوده که سارق شرور در نزدیکی کلانتری اقدام به فرار می‌کند و سرباز وظیفه هم او را تعقیب و در نهایت در جدال با متهم به شدت زخمی می‌شود و سارق هم موفق به فرار می‌شود. در حالی که تحقیقات برای دستگیری ضارب فراری ادامه داشت به مأموران پلیس خبر رسید سرباز وظیفه بر اثر شدت جراحات و اصابت چاقو به قلبش روی تخت بیمارستان فوت کرده است. با شهادت سرباز وظیفه پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و تیم ویژه‌ای از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی به دستور قاضی محمدجواد شفیعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران برای دستگیری متهم وارد عمل شدند.

■ **دستگیری قاتل با موتور سرقتی**

بررسی‌های تیم جنایی نشان داد علی سارق سابقه‌داری بوده که چند روز قبل از حادثه هنگام سرقت موتورسیکلت دستگیر و صبح روز حادثه برای بازجویی به دادسرا منتقل می‌شود، اما هنگام برگشت از دادسرا برای فرار از دست سرباز وظیفه با چاقو او را به شهادت می‌رساند. مأموران پلیس در تحقیقات بعدی محل زندگی متهم را در شهر کرج شناسایی کردند و برای دستگیری وی به کرج رفتند، اما دریافتند متهم پس از حادثه محل زندگی‌اش را ترک کرده است.

در حالی که تحقیقات برای دستگیری قاتل فراری ادامه داشت مأموران پلیس ساعت ۹:۳۰ شامگاه شنبه نهم مرداد متهم را در نزدیکی یکی از پارک‌های شهر کرج که سوار بر موتورسیکلت سرقتی بود شناسایی و در یک تعقیب و گریز کوتاه وی را دستگیر کردند.

■ **اعتراف به قتل**

قاتل فراری پس از انتقال به تهران به قتل سرباز وظیفه اعتراف کرد. وی صبح دیروز در حالی که پاهایش در غل و زنجیر و دستانش دستبند بود، برای بازجویی به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد.

متهم در بازجویی با اظهار پشیمانی به قتل اعتراف کرد و در ادامه به دستور قاضی محمدجواد شفیعی برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

گفتگو با متهم

روی صندلی نشسته و چشمانش را به موزاییک‌های اتاق دوخته است. رنگ و رویش هم پریده است و مدعی است که هنوز باور ندارد که سرباز وظیفه بی‌گناهی را به قتل رسانده‌است: «فکر نمی‌کردم عاقبت موتور دزدی به قتل سرباز بی‌گناهی ختم شود. متهم می‌گفت: پشیمان هستم چون لحظه حادثه به چیزی جز فرار فکر نمی‌کردم که دست به چاقو شدم و این حادثه را رقم زدم.»

سابقه‌دار هستی؟

بله، من سابقه سرقت موتورسیکلت دارم. البته در تهران سرقت نمی‌کردم و سرقت‌های من همراه یکی از دوستانم در شهرستان تویسرکان همدان بود.

چه شد که برای سرقت به تهران آمدی؟

ماجرای طول و درازی دارد.

توضیح بده.

من برای خودم زندگی خوبی داشتم و سر کار می‌رفتم و الان هم یک دختر هشت‌ساله دارم، اما متأسفانه وقتی بیکار شدم با همسرم اختلاف پیدا کردم و او طلاق گرفت و من و دخترم را تنها گذاشت.

به چه کاری مشغول بودی؟

من آشپزم و چندین سال قبل در تویسرکان آشپزی می‌کردم که چند سال قبل برای کار به تهران آمدم و در تهران و کرج هم در دو دانشگاه آشپزی می‌کردم، اما بیکار شدم و بعد از بیکاری‌ام زندگی‌ام از هم پاشید و زنم طلاق گرفت که دوباره همراه دخترم به تویسرکان رفتم.

چه شد که تصمیم گرفتی وارد جرگه خلافکاران شوی؟

وقتی به شهرمان رفتم یکی از دوستانم که سابقه سرقت داشت به من پیشنهاد داد با او سرقت کنم. از آنجایی که دوران نوجوانی عاشق موتورسیکلت بودم و تعمیرات موتور هم بلد بودم تصمیم گرفتم موتور سیکلت سرقت کنم.

بعد چه شد؟

سرقت‌های سریالی من از ابتدای سال ۹۸ شروع شد و در نهایت اواخر سال ۹۸ در حالی که ۲۲ موتورسیکلت سرقت کرده‌بودم، دستگیر شدم و به زندان افتادم. در دادگاه به یک سال و نیم زندان و رد مال محکوم شدم تا اینکه خرداد ماه ۹۹ با گذاشتن وثیقه از زندان به مرخصی آمدم و دیگر بازنگشتم و فراری شدم. برای اینکه شناسایی و دستگیر نشوم دوباره راهی کرج شدم و در آنجا خانه‌ای اجاره کردم و دوباره تصمیم گرفتم سرقت کنم.

چرا برای سرقت به تهران می آمدی؟

فکر می‌کردم در تهران شناسایی نشوم و می‌خواستم با سرقت رد مال کنم.

درباره سرقت‌های سریالی در تهران توضیح بده.

سرقت‌های تهران را تازه شروع کرده‌بودم و هنوز تا اینکه سریالی شود جا داشت. من تصمیم گرفتم سرقت‌هایم را از جلوی بیمارستانی در حوالی خیابان پیروزی انجام دهم و به همین خاطر شش‌روز قبل از حادثه به جلوی بیمارستان رفتم و یک موتورسیکلت هوندا سرقت کردم و بعد به خانه‌ام رفتم و آن را فروختم.

دوباره دو روز بعد به همان محل رفتم و این بار یک موتور سیکلت آپاچی سرقت کردم تا اینکه روز سوم برای سومین سرقت به جلوی بیمارستان رفتم. آن روز من در حال باز کردن قفل موتور سیکلتی بودم که صاحب موتور سیکلت قبلی متوجه من شده بود. او چند روز قبل که موتور سیکلتش را سرقت کرده‌بودم فیلم دوربین‌های مداربسته بیمارستان را دیده بود و هنگام سرقت سوم مرا از روی هیکل و تیپم شناخته بود که به اداره پلیس زنگ می‌زند و درخواست کمک می‌کند. لحظاتی بعد من متوجه مأموران پلیس شدم که به سرعت فرار کردم، اما صاحب موتورسیکلت قبلی و دوستانش مرا تعقیب کردند و گرفتند و به شدت کتکم زدند به طوری که کتفم از جا در آمد. پس از این به بیمارستان منتقل شدم و پزشک بیمارستان کتفم را جا انداخت و بعد هم به کلانتری شهدا منتقل شدم که روز حادثه هنگام بازگشت از دادسرا این اتفاق افتاد.

چرا سرقت‌ها را از جلوی بیمارستان انجام می‌دادی؟

معمولاً افرادی که به بیمارستان مراجعه می‌کردند بیمار داشتند و گرفتار بودند و به همین خاطر وقتی جای پارک گیرشان نمی‌آمد موتورسیکلتشان را در محلی رها می‌کردند که سرقت آسان‌تر می‌شد.

درباره روز حادثه توضیح بده.

آن روز صبح سرباز وظیفه من و متهم دیگری را به دادسرای جشنواره منتقل کرد. قاضی، متهم اولی را آزاد کرد و برای من هم ۱۰۰ میلیون تومان وثیقه نوشت که به همراه سرباز به کلانتری برگشتیم. در نزدیکی کلانتری به سرباز گفتم که گرسنه‌ام و از او خواستم برای من ساندویچ فلافل بخرد که او قبول کرد و هر دو از تاکسی پیاده شدیم. او دستبند مرا از دستش باز کرد و و به دست خودم زد و کیسه‌ای که لوازم جرم من که چاقو هم داخل آن بود به دستم داد و سفارش ساندویچ داد. قرار بود ساندویچ بگیریم و به کلانتری ببریم و آنجا بخوریم. در حالی که او مشغول سفارش بود وسوسه شدم که فرار کنم به همین دلیل من از فرصت استفاده کردم و کلید پابند را مخفیانه برداشتم و پابندم را باز کردم و چاقویم را از داخل کیسه برداشتم و داخل جیبم گذاشتم. وقتی ساندویچ را گرفتیم و به طرف کلانتری به راه افتادیم ناگهان شروع به دویدن کردم که سرباز وظیفه هم پشت سرم دوید و مدام دستور ایست می‌داد، اما من تصمیم خودم را گرفته‌بودم و به فرارم ادامه دادم تا اینکه او به من رسید و مرا گرفت و وقتی می‌خواست دستبند بزند چاقو را از جیبم بیرون آوردم و به او ضربه زدم.

بعد کجا فرار کردی؟

از کوچه‌ها خودم را به خیابانی رساندم و آنجا خودروی دربستی به مقصد خاتون‌آباد پاکدشت کرایه کردم. برای اینکه راننده به من شک نکند باند کتفم را باز کردم و روی دستبند کشیدم که فکر کند دستم زخمی شده است. در خاتون آباد قیچی آهن‌بری خریدم و دستبندم را بریدم و از آنجا دوباره راهی خانه‌ام در کرج شدم. می‌دانستم که مأموران خیلی زود رد مرا می‌زنند به همین خاطر موتور سیکلت سرقتی که در خانه داشتم سوار شدم و به داخل خیابان آمدم و در نهایت هم ساعت ۹:۳۰ شب شناسایی و دستگیر شدم.

مرگ ۲ سرنشین سمند در سقوط از پل

سقوط خودروی سواری از روی پل جاده سمنان به دامغان مرگ دو سرنشین آن را رقم زد.

روز گذشته مأموران پلیس‌راه سمنان از حادثه رانندگی در جاده سمنان به دامغان با خبر شده و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد که خودروی سواری به علت نامشخصی از روی پل به پایین سقوط کرده و راننده و سرنشین آن به علت شدت جراحت فوت شده‌اند. همزمان با انتقال اجساد به پزشکی قانونی تحقیقات در این باره جریان دارد.

پایان اختلاف حساب خونین با ۲ قتل

مردی که متهم است با شلیک گلوله دو نفر را در شهرستان کرمانشاه به قتل رسانده‌است، بازداشت شد.

سرهنگ پرویز نظری، رئیس پلیس آگاهی استان کرمانشاه گفت: روز گذشته مأموران پلیس کرمانشاه از حادثه تیراندازی در یکی از محله‌های شهر با خبر شده و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد که دو نفر بر اثر اصابت گلوله جانشان را از دست دادند و دو نفر هم مجروح که به بیمارستان منتقل شدند. تحقیقات همچنین مشخص کرد که حادثه خونین از سوی یکی از دوستان دو مقتول اتفاق افتاده است که وی تحت تعقیب قرار گرفت و در یکی از استان‌های همجوار بازداشت شد. متهم گفت: من با برادر یکی از دومقتول اختلاف حساب داشتم اما او حاضر نمی‌شد که اختلاف مان حل شود، برای همین همراه برادرانم مقابل خانه‌اش رفتیم و شیشه‌های خانه‌اش را شکستیم و به خانه برگشتیم. ساعتی بعد بود که او همراه دوستانش مقابل خانه‌ام آمد که من هم دست به اسلحه بردم و شروع به تیراندازی کردم که حادثه اتفاق افتاد. تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.

مرد هوسران به میز محاکمه بر می‌گردد

مرد جوانی که از هشت‌سال قبل به اتهام قتل زنی جوان در بازداشت به سر می‌برد برای تعیین سرنوشتش دوباره محاکمه می‌شود. این مرد با رأی دادگاه به قصاص محکوم شده اما ناتوانی اولیای‌دم برای پرداخت تفاضل دیه سبب شده که او در زندان بلاتکلیف بماند.

به گزارش جوان، ۸ آذر سال ۹۲، مأموران کلانتری ۱۴۴ تهرانپارس از کشف جسدی در حاشیه خیابان اتحاد باخبر و راهی محل شدند. با حضور مأموران در محل، آنها با جسد زن جوانی روبه‌رو شدند که شواهد نشان می‌داد وی در محل دیگری به قتل رسیده و جسدش به این مکان منتقل شده‌است. جسد در حالی که یک بند قرمز دور گردنش پیچیده شده بود با هماهنگی قضایی به پزشکی قانونی منتقل و تحقیقات در این زمینه آغاز شد. در اولین گام از تحقیقات، مأموران با رصد دوربین‌های مداربسته یک مرکز تجاری که در نزدیکی محل کشف جسد بود، دریافتند جسد از سوی راننده یک خودروی لیفان در آن مکان رها شده است.

■ **دستگیری متهم**

با ثبت مشخصات خودرو و راننده آن، تلاش برای شناسایی مرد جوان آغاز شد تا اینکه دو روز بعد از انتشار این خبر در صفحات حوادث روزنامه‌ها مردی با پلیس تماس گرفت و گفت همان شب دیده است که یکی از همسایگانشان که طلاساز است در مجتمع مسکونی در خیابان سراج بسته‌ای مشکوک شبیه جنازه را با آسانسور داخل پارکینگ برده‌است. بعد از این تماس، آن مرد به اداره پلیس رفت و بعد از دیدن تصاویر ضبط شده در دوربین‌های مداربسته، توانست مرد همسایه به نام پیام را شناسایی کند. با شناسایی متهم، سرانجام مأموران یک‌ماه بعد از حادثه موفق شدند، پیام را در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر کنند.

■ **اقرار به قتل**

متهم برای کامل شدن تحقیقات به اداره پلیس منتقل شد. او در بازجویی‌های اولیه خودش را بی‌گناه خواند، اما با کشف چند تار موی مقتول در صندوق عقب خودرو و مدارک و شواهد دیگر ناچار لب به اعتراف گشود و به قتل زن جوان به نام شیرین اعتراف کرد.

آن مرد در شرح ماجرا به مأموران گفت: «شب حادثه همسرم و دختر هفت‌ساله‌ام را به خانه پدرزنم بردم و در حالی که به خانه برمی‌گشتم زن جوانی را دیدم که زیر باران منتظر تاکسی بود. شب بود و باران شدیدی می‌آمد این شد که تصمیم گرفتم او را سوار کنم که معطل ماشین نماند. آن زن وقتی سوار ماشین شد شروع به صحبت کرد و از زندگی‌اش برایم تعریف کرد. او می‌گفت از شوهرش جدا شده است و بعد از طلاق هم رابطه خوبی با مادرش ندارد. او از خانه قهر کرده‌بود و می‌خواست به خانه دوستش برود.»

متهم ادامه داد: «وقتی صحبت‌های آن زن را شنیدم وسوسه شدم و او را به خانه‌مان دعوت کردم. زن جوان قبول کرد و با هم به خانه رفتیم. من شیشه مصرف می‌کردم و شیرین هم همین طور این شد که با هم شیشه کشیدیم و بعد از مصرف مواد در حالی که هر دو در توهم بودیم ناگهان او بند مانتوی قرمزش را دور گردنم انداخت و قصد داشت مرا خفه کند. شوکه شده بودم و نمی‌دانستم چکار کنم. وقتی کار به درگیری کشید بند مانتو را از دستش گرفتم و دور گردنش انداختم سپس آن‌را کشیدم که باعث مرگش شد. شیرین کبود روی زمین افتاده بود که از ترس جسدش را میان یک ملحفه پیچیدم و آن را با آسانسور به پارکینگ مجتمع بردم سپس داخل ماشین گذاشتم و به خیابان اتحاد رفتم. در آن خیابان مقابل یک مرکز تجاری توقف کردم و بعد از رها کردن جسد گریختم.» متهم بعد از اقرار به جرمش و بازسازی صحنه جرم راهی زندان شد و پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات در اولین جلسه محاکمه مقابل هیئت قضایی شعبه‌دهم دادگاه کیفری یک استان تهران قرار گرفت.

■ **صدور حکم قصاص**

او در آن جلسه بعد از درخواست قصاص از سوی اولیای‌دم بار دیگر ماجرا را شرح داد سپس در حالی که اشک می‌ریخت، گفت: «وقتی مقتول را سوار ماشین کردم سر صحبت باز شد. بین حرف‌هایم به او گفتم طلاساز هستم. وقتی به خانه‌مان رفتیم آن زن بعد از کشیدن شیشه در حال توهم بود که ناگهان به طرفم حمله کرد و قصد داشت مرا با بند مانتو خفه کند. احتمال می‌دهم او وقتی فهمید طلاساز هستم به قصد سرقت می‌خواست مرا به قتل برساند. چاره‌ای نداشتم و باید از خودم دفاع می‌کردم. من هم در توهم شیشه بودم این شد که چند سیلی به صورتش زدم و از او خواستم مرا رها کند، اما دست‌بردار نبود و شروع به سر و صدا و فحاشی کرد. خیلی ترسیده بودم و نگران بودم همسایه‌ها صدای ما را بشنوند. این شد که همان بند را از دستش گرفتم و او را خفه کردم. سپس جسد را به خیابان بردم و رها کردم. حین حمل جسد بود که یکی از همسایه‌ها مرا دید و بعد از انتشار خبر هم بازداشت شدم.» بعد از دفاعیات متهم هیئت قضایی وارد شور شد و متهم را به قصاص محکوم کرد. این حکم به دیوانعالی کشور فرستاده شد و با تأیید آن از سوی قضات یکی از شعبات، متهم در آستانه مرگ قرار گرفت.

■ **درخواست تعیین تکلیفی**

با گذشت هشت‌سال از حادثه متهم به دلیل عدم توانایی اولیای‌دم در پرداخت تفاضل دیه همچنان در زندان بود که با نوشتن نامه‌ای درخواست تعیین تکلیفی کرد. با نوشتن این نامه پرونده بار دیگر به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده‌شد تا متهم بعد از تعیین وقت طبق ماده ۴۲۹ قانون مجازات اسلامی محاکمه و سرنوشت او از سوی هیئت قضایی مشخص شود.

شهادت مأمور پلیس در دزفول

یکی از مأموران پلیس شهرستان دزفول در جریان تیراندازی افراد مسلح به شهادت رسید.

سرهنگ روح‌الله گراوندی، فرمانده انتظامی دزفول گفت: ساعت ۲۳ شامگاه شنبه حادثه تیراندازی در محور شوش به دزفول اتفاق افتاد. بررسی‌ها نشان داد که افراد مسلح به سمت خودروی گشت پاسگاه صفی‌آباد تیراندازی کرده‌اند که در جریان آن سروان سجاد دالمن به شهادت رسیده‌است. تحقیقات پلیس برای بازداشت عامل حادثه ادامه دارد.

کلاهبرداری دیواری با وعده بسته‌بندی

مرد فریبکار که در اصفهان با درج آگهی دروغین بسته‌بندی محصولات در سایت دیوار متقاضیان را فریب داده و پولشان را سرقت می‌کرد، بازداشت شد.

سرهنگ سیدمصطفی مرتضوی، رئیس پلیس فتای اصفهان توضیح داد: چندی قبل زن جوانی وارد پلیس فتای اصفهان شد و علیه مردی فریبکار شکایت کرد. او گفت: من به دنبال پیدا کردن شغلی برای انجام کار در خانه بودم که متوجه آگهی استخدام کار در منزل شدم که مربوط به بسته‌بندی محصولات در خانه بود. بعد از آن بود که با شماره تماس آگهی دهنده تماس گرفتم. مردی که به تماسم جواب داد گفت که در قبال انجام کار حقوق مناسبی پرداخت می‌کند. از آنجا که مبلغ پرداختی قابل توجه بود تصمیم به کار گرفتم. آن مرد گفت که برای تهیه مواد اولیه دستگاه بسته‌بندی باید ۵۰۰هزار تومان به شماره حسابی که در اختیارم گذاشت واریز کنم. من هم به حرف آن مرد اعتماد کردم و پول را به شماره حساب واریز کردم. بعد از آن هر چه با او تماس گرفتم گوشی‌اش خاموش بود. فهمیدم که آن مرد کلاهبردار بوده‌است.

با اطلاعاتی که زن جوان در اختیار پلیس گذاشت مأموران پلیس در این باره تحقیقات بیشتری انجام دادند و موفق شدند که مخفیگاه متهم را شناسایی و او را بازداشت کنند. متهم در بازجویی‌ها به کلاهبرداری سریالی به این شیوه اعتراف کرد و گفت: از مدتی قبل نقشه‌ای به ذهنم رسید و تصمیم گرفتم که با اجرای آن پول خوبی به جیب بزنم. ابتدا آگهی بسته‌بندی محصولات را در سایت دیوار منتشر کردم. از آنجا که مبلغ مناسبی برای استخدام درج کرده‌بودم افراد زیادی با من تماس گرفتند و درخواست کار کردند. من هم با ادعای تهیه لوازم بسته‌بندی از هر کدامشان ۵۰۰هزار تومان گرفتم و دیگر به تماس‌هایشان جواب ندادم تا این که با سماجت یکی از شاکیان بازداشت شدم. تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهم ادامه دارد.

خالی کردن حساب مشتریان فلافلی با اسکیمر

فروشندگان فلافل که با نصب اسکیمر روی دستگاه کارتخوانشان حساب مشتریان را خالی می‌کردند بازداشت شدند.

رسول جلیلیان، رئیس پلیس فتای استان البرز توضیح داد: چندی قبل شکایت‌های مشابهی درباره برداشت‌های غیرمجاز به مأموران پلیس فتای کرج گزارش شد. شاکیان به پلیس گفته بودند که به صورت غیرمجاز موجودی حسابشان برداشت شده‌است. وقتی مشخص شد که حساب همه شاکیان بعد از خرید فلافل از یک کیوسک فروش مواد غذایی خالی شده است. مأموران پلیس احتمال دادند که فروشندگان فلافل باید با نصب اسکیمر روی کارتخوانشان مشغول خالی کردن حساب مشتریان باشند. بعد از به دست آمدن این سرنخ تحقیقات در این باره به جریان افتاد و مشخص شد که همه برداشت‌ها از سوی فروشندگان فلافل رقم خورده است که همگی شناسایی و بازداشت شدند. مأموران پلیس در بازرسی از محل ۲۰ کارت بانکی خام کشف کردند. اعضای باند اعتراف کردند که به این شیوه موفق به برداشت ۱۰۰میلیون تومان از حساب مشتریان خود شده‌اند. تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر اعضای باند جریان دارد.

قتل داماد سابق با ضربات چاقو

مردی که به اتهام قتل داماد سابقش در بازداشت به سر می‌برد مدعی است که مقتول برای دخترش ایجاد مزاحمت می‌کرد.

روز گذشته مأموران پلیس شهرستان زبرخان در استان خراسان‌رضوی از حادثه خونین در یکی از محله‌های شهر با خبر شده و در محل حاضر شدند.

بررسی‌ها نشان داد که مرد جوانی با اصابت ضربات چاقو مجروح و در راه انتقال به بیمارستان جانش را از دست داده است. بررسی‌های بعدی نشان داد که عامل قتل پدرزن سابق مقتول است که تحت تعقیب قرار گرفت و چند ساعت بعد در شهرستان نیشابور بازداشت شد. متهم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت: مقتول داماد سابقم بود که هشت سال قبل با دخترم ازدواج کرد. آنها خیلی زود با هم اختلاف پیدا کردند تا این که سه‌ماه قبل طلاق دخترم را گرفتم. بعد از آن اختلاف ما ادامه پیدا کرد؛ چرا که او مدام برای خانواده ام مزاحمت ایجاد می‌کرد. شب حادثه هم متوجه شدم که مقابل خانه دخترم رفته و مزاحم شده است که خودم را به آنجا رساندم و با هم درگیر شدیم. در جریان درگیری با چاقو چند ضربه به او زدم و از محل فرار کردم که متوجه شدم جانش را از دست داده است.

سرهنگ حجت داراشانی، جانشین انتظامی شهرستان زبرخان گفت: تحقیقات بیشتر در این باره ادامه دارد.

آگهی مفقودی

اینجانب صبا فرقانی اشرفی به شماره ملی ۲۱۸۱۱۹۱۸۲۴ مهندسی عمران پایه یک نظام مهندسی به شماره عضویت ۰۱۱۹۳-۰-۳-۳۷ دارای پروانه اشتغال به شماره ۰۰۰۹۸-۳۷-۲۰ پروانه اشتغال مجری ذیصلاح پایه یک پروانه اشتغال نظارت مفقود گردیده وازدرجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی

برگ سبز و برگ کمپانی خودرو پژو تیپ PARS XU7 مدل ۱۳۹۷ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۳۸ ۵۷۵ د ۸۶) به شماره موتور 124K1281758 شماره شاسی NAAN01CE2JH335727 متعلق به وحید علی مرادی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.البرز

آگهی مفقودی

برگ سبز ماشین سواری پژو ROA به رنگ نقره ای آبی متالیک به شماره موتور 11686017567 به شماره شاسی 6134172 شماره پلاک ۸۶ص ۶۳۴ ایران ۵۵ به نام سید محمد حجت میرشاه ولدمفقود شده واز درجه اعتبار ساقط میگرد. تبریز

آگهی مفقودی

سند مالکیت ، کارت ماشین ، برگ سبز و اسناد بیمه کامیونت ون سیستم نیسان تیپ ۲۴۰۰ مدل ۱۳۸۰ به رنگ آبی ـ روغنی به شماره موتور ۰۰۱۶۲۱۸۸ به شماره شاسی ۰۰C۶۲۵۱۵ و به شماره انتظامی ۲۵ـ۸۷۱ ب ۳۵ متعلق به سلمان حسین زاده زوارق فرزند براتعلی به شماره شناسنامه ۱۹ و شماره ملی ۱۶۸۹۷۷۶۷۷۳ صادره از بناب مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد. تبریز